

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانب بین‌المللی و ملی داخلی کشمکش‌های ایتوپی

(ترجمه)

پرسش

«شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد، برای دسترسی به توافق بر آتش بس در منطقه تیگرای ایتوپی، ناکام مانده است...» (منبع: فرانس 24/أ ف ب، مؤرخ 2021/11/20م). ارتش ایتوپی حوالی یک سال پیش توانست، شورش جبهه تحریر تیگرای را سرکوب نموده و بر این جزیره، بطور کامل مسلط شود، سپس جبهه تحریر تیگرای تجدید قوا نموده و بار دیگر بر این منطقه مسلط می‌شود، حتی از این منطقه پا بیرون گذاشته، آدیس آبابا پایتخت ایتوپی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ آیا این حوادث منشأ داخلی داشته و نتیجه کشمکش‌های درون ملیتی می‌باشد و یا این حوادث از کشمکش‌های بین‌المللی آب می‌خورد؟

پاسخ

برای وضاحت بیشتر پاسخ، ناگزیر باید جوانب بین‌المللی و ملی-داخلی کشمکش‌های ایتوپی و تأثیرات آن بر حوادث را مورد بررسی قرار دهیم:

در نخست؛ جوانب بین‌المللی:

1- از لحاظ بین‌المللی ایتوپی تحت اشغال مستقیم ایتالیا قرار داشت تا این که به تاج‌گذاری مجدد امپراتور هیلسلای در سال 1941م، به همکاری انگلیس، ایتالیا از این سرزمین بیرون رانده شد و ایتوپی تحت نفوذ انگلیس داخل شد. از آنجایی که امریکا از طریق تبلیغات کمونیستی چپ‌گرا و انقلاب ضابط‌های چپ‌گرا در سال 1974م به نفوذ انگلیس در این سرزمین پایان داد، از آن زمان به بعد ایتوپی تحت نفوذ امریکا در آمد. پس از کشمکش‌ها بین ضابط‌های انقلاب، در سال 1977م تحت رهبری ضابط منگیستو هیلا مریام حکومت در ایتوپی ثبات یافته، بسیاری از دریاچه‌های نفوذ انگلیس در این سرزمین مسدود شد، علی‌رغم تغییر حکام، حکومت ایتوپی همچنان تابع امریکا باقی ماند است.

2- منطقه تیگرای ایتوپی منطقه پیچیده‌ای محسوب می‌شود، از شمال به ارتیره و سودان، از بقیه جهات به دیگر ولایات ایتوپی تابع دولت، محدود است. بنابراین، ارائه هر حمایت نظامی قابل توجهی برای شورشی‌های این منطقه ممکن نیست، مگر از طریق مزدوران امریکا. حال می‌خواهد این حمایت‌های داخلی باشند و یا از طریق سودان و ایتوپی باشد، به این معنی که دولت‌های اروپایی در این ارتباط اگر صاحب کدام اراده سیاسی هم باشند، آنان از حمایت نظامی قابل توجهی برای این منطقه سرکش عاجز اند. گذشته از این، رهبری جبهه تحریر تیگرای مخالف حکومت مرکزی در آدیس آبابا، بدور از ارتباط مستقیم با امریکا نیست. به

استثناء برخی از حمایت‌های سیاسی اروپایی از منطقه سرکش و برخی از اظهارات اروپایی منتقد تسلط ارتش ایتوپی بر این منطقه، در سال 2020م، کشمکش‌های بین حکومت مرکزی و جبهه تحریر تیگرای بدور از هر گونه دخالت قابل اهمیت اروپایی می‌باشد.

3- اما موضوع سد النهضه که ایتوپی در سال‌های اخیر، از لحاظ بین‌المللی و منطقوی، آن را متباز ساخته است، موضوع مرتبط به مصر و سودان می‌باشد. این درحالی‌ست که حکام مصر و سودان مزدوران حلقه بگوش آمریکا می‌باشند. این مسئله که عبدالله حمدوک نخست وزیر معزول سودان مزدور انگلیس و اروپای‌ها بود، کدام تغییر در اصل مسئله وارد نمی‌کند، چون قدرت کنونی سودان هنوز هم در دست آمریکا قرار دارد. به این معنی که مزدوران جدید انگلیس و اروپا در سودان ناتوانتر از آن‌اند که به منفعت انگلیس و اروپا، در منطقه تیگرای ایتوپی کدام دخالتی داشته باشند، آنان در حال حاضر به آرزوی باقی ماندن سهمی از دولت در سودان برای شان مبارزه می‌کنند؛ اما رژیم یهود از باب ایجاد نقاط ضعف و جنگ‌جالی‌هایی که مصر را مشغول سازد، در پشت پرده حکومت ایتوپی را به ساخت و راه‌اندازی سد النهضه تحریک می‌کند. این نیز ممکن نیست که رژیم یهود ادامه داده و از سیاست آمریکا پاه فراتر بگذارد. به این معنی که آمریکا به کشمکش‌های متعلق به قضیه سد النهضه، بگونه گسترده‌ای دامن زده و آن را بر مبنای منافع خود مدیریت می‌کند.

دوم؛ جوانب درون ملیتی:

1- از لحاظ فکری و دیگر ملاحظات، ایتوپی یک سرزمین عقب مانده به شمار می‌رود؛ علی‌رغم حاکمیت ضابط‌های چپ‌گرا از سال 1947م الی سال 1991م و جفجغ‌های کمونیزم، هیچ ایدیولوژی در ایتوپی جای بازنموده است. این کمونیست‌های مزدور آمریکا، واقعیتی بسان واقعیت جمال عبدالناصر در مصر را داشتند. علی‌رغم این‌که گزارشات رسمی، مسیحیان را اکثریت عنوان می‌کنند، احصائیه‌های غیررسمی، مسلمانان در ایتوپی را در حدود 60% تخمین می‌زنند. (منبع: مرکز تحقیقات الجزیره؛ مورخ 2015/4/15م) اما به دلیل توجه‌های بین‌المللی به اعطاء صفت نصرانیت برای ایتوپی، تأثیرات اسلام در این سرزمین برجسته نبوده و بسیار کم‌رنگ می‌باشد. به این معنی که این سرزمین از هرگونه مفکوره‌ای که به وحدت بین مردم آن قوت بخشد، بدور می‌باشد.

2- بدلیل خلای فکری و نبود مفکوره فعال در ایتوپی، بالای تمام جوانب زندگی سیاسی دولت، احزاب، تشکیلات، نهادها و پیمان‌ها، عصبیت قبیله‌ای سایه انداخته و بر تمام جوانب آن از عینک نژادی نگرسته می‌شود. بنابراین، در ایتوپی عصبیت قبیله‌ای و نگرش نژادی در واژه فراخی برای اثرگذاری‌های سیاسی می‌باشد. از جمله دخالت نزاع‌ها، جنگ‌های قومی و اختلافاتی که بالای محدوده‌های قصبات و لایات در جریان است، از نقطه نظر نژادی ولایت ارومیه که پایتخت ایتوپی آدیس آبابا در آن قرار دارد، مرکز بزرگ کشمکش‌های قومی در ایتوپی می‌باشد، این در حالی می‌باشد که قوم ارومی نزدیک به 40%، قوم امهره در ولایت امهارا 20%، قوم سومالی در منطقه آگادن 6%، قوم تیگرای در منطقه تیگرای 5% به اضافه ده‌ها قوم بزرگ و کوچک، ساکنین ایتوپی را تشکیل می‌دهند.

3- برعلاوه‌ای نزاع‌هایی که بالای محدوده‌های مناطق و ولایات ایتوپی در جریان است، به شخص حاکم در این سرزمین نیز بگونه‌ای نگاه می‌شود که وی خود در رأس سیطره نژادی در این سرزمین است؛ بطور مثال مزدور انگلیس امپراتور هایله‌سلاسی و مزدور امریکا منگیستو هایله ماریام از نژاد امه‌ری بودند، که هر یک در جریان حاکمیت طولانی مدت خویش فرهنگ قومی امه‌ری را در این سرزمین حاکم نموده و زبان امه‌ره را به عنوان زبان رسمی دولت تحمیل نمودند، با آن که آدیس آبابا در ولایت ارومیه واقع بوده و قوم ارومی که اغلیت مسلمان اند، از این که در حاشیه مدارتاریخی جدید ایتوپی قرارداد می‌شوند، شکایت دارند. بدلیل اختلافات قومی و نظریه مسیحی سازی ایتوپی، قوم تیگرای علی رغم این که اقلیت قومی در ایتوپی را شکل می‌دهند، در سال 1991م در زمان حاکمیت ملس زیناوی در ایتوپی تا وفات وی در سال 2012م دولت را در اختیار داشتند. پس از نصب دیساوین معاون زیناوی به عنوان نخست‌وزیر، علی رغم این که وی از قوم کوچک دیگری بود، تیگرای شاه‌رگ‌های دولت را در ارتش و سازمان امنیت ملی ایتوپی در اختیار گرفته و سطره آن بالای حکومت هم‌چنان ادامه یافت. اما پس از اعتراضات گسترده قوم ارومی در اطراف آدیس آبابا که در سال 2015م شعله‌ور و تا زمان استیفای دیسالین در سال 2018م ادامه داشت، آبی احمد اول از قوم ارومی به عنوان نخست‌وزیر جدید ایتوپی گماشته شد.

4- نخست وزیر آبی احمد نقاط کلیدی دولتی را از تیگرایی‌ها را گرفت؛ بطور مثال در تابستان 2018م رئیس ارکان ارتش و مدیر سازمان امنیت و اطلاعات ملی را از وظیفه سبک دوش نمود، در حالی که هردوی آنان تیگرایی بودند و جبهه تحریر تیگرای این اقدام آبی احمد را یک هدف گیری نژادی عنوان نمودند، مخصوصاً این که تیگرایی‌های از سال 1991 بدین سوی این منصب‌های حیاتی را در اختیار داشته و برای خود از پاسداری می‌نمودند. لیکن مسئله شگفت‌آور اینست که نخست وزیر آبی احمد، این اقدامات را برای مصلحت قوم، به حاشیه رانده شده از لحاظ تاریخی، ارومی نمی‌باشد، چون آبی احمد با قوم امه‌ری هم‌پیمان می‌باشد. شاید بدلیل این که وی از ناحیه پدر مسلمان‌اش، ارومی بوده و از ناحیه مادر مسیحی خویش امه‌ری و با یک زن مسیحی امه‌ری ازدواج نموده است، مادر و همسری که در آن احساسات قومی متمایل به قومیت امه‌ری ایجاد نموده اند. بنابراین، قوم ارومی بیسار زود گرایش قومی آن را احساس کرده و با توجه با این علیه آن با جبهه تحریر تیگرای هم پیمان شدند.

سوم: این که با دقت بیشتری براین جوانب بین‌المللی و داخلی کشمکش‌های ایتوپی، به این نتیجه می‌رسیم که کشمکش‌های قومی و نژادی در ایتوپی ریشه اصلی حوادث داخلی می‌باشد، اما دولت‌های بزرگ و صاحب نفوذ در این سرزمین از این واقعیت سوء استفاده نموده، این حوادث را بر مبنای سیاست‌ها و منافع خود جهت می‌دهند. به این معنی که این همان واقعیت کشمکش‌های ایتوپی در تاریخ جدید آن می‌باشد. اگر به سال‌های گذشته برگردیم، می‌بینیم که قوم تیگرای از زمان تأسیس جبهه تحریر تیگرای در سال 1975م تبارز نمود و بعد از 15 سال در سال 1991م رهبر جبهه تحریر تیگرای ملیس زیناوی بالای تمام ایتوپی مسلط شد؛ پس از آن زیناوی برای تضمین حق جدایی طلبی تیگرای از ایتوپی، با احتمال این که شاید اوضاع تغییر نموده و اداره آدیس آبابا علیه تیگرای شود، اقدام به تعدیل قانون اساسی ایتوپی نمود. از جمله تعدیل ماده 39 قانون اساسی ایتوپی در سال 1995م که بر مبنای آن هر ملیت از ملیت‌های ایتوپی حق جدای غیرمشروط و رغم زدن به سرنوشت خود را دارند، اما در آن زمان تیگرایی‌ها چون دولت را در اختیار داشتند، به این ماده کدام نیاز نداشتند؛ اما همین که آبی احمد بر آدیس آبابا مسلط شد، بساط

اقتدار این قوم برجیده شد. قرار بود که انتخابات پارلمانی در اگست 2020م برگزار شود، اما آبی احمد این انتخابات را به دلیل شیوع ویروس کرونا به تعویق انداخت، اما جبهه تحریر تیگرای این اقدام آبی احمد را نپذیرفته و به تنهایی در تیگرای انتخابات را برگزار نمودند، که به این ترتیب منطقه تیگرای در یک وضعیت عاصی گری قرار گرفته و خود را در مسیر جدای از دولت قرار داد. به دلیل تمایلات جدای طلبانه جبهه تحریر تیگرای و اقدام آن به گرفتن اردگاه‌های مرکزی ارتش ایتویی در این منطقه و بدلیل رد مشروعیت این انتخاباتی که به تنهای در منطقه برگزار شده است، از جانب حکومت مرکزی، جنگ را در میان منطقه سرکش و حکومت مرکزی در 2020/11/4م شعله‌ور ساخت، که ارتش ایتویی، به کمک ارتش ارتیره، به مدت کوتاهی و بسیار زود بالای تمام منطقه تیگرای و مرکز آن، شهر میکیلی، مسلط شد و جبهه تحریر تیگرای به کوه‌ها انتقال یافت.

چهارم: این که حکومت مرکزی در آدیس آبابا به گونه غیر مترقبه‌ای پس از چند ماه، آغاز به عقب‌نشینی نمود، طوری که در ابتداء خروج نیروهای ارتیره از منطقه تیگرای اعلان نمود، در حالی که هنوز آدیس آبابا به حضور ارتش ارتیره در تیگرای اعتراف ننموده بود، "نخست وزیر آبی احمد در بیانیه‌ای گفت: نیروهای ارتیره به زودی از منطقه ارتیره در شمال کشورش، خارج می‌شوند". (منبع: فرانس24؛ مؤرخ: 2021/3/26م). سپس اعلان شد که ارتش ایتویی نیز از این منطقه خارج می‌شود. "وزیرخارج ایتویی اعلان نمود که حکومت از تیگرای بیرون می‌شود، بر این تأکید داشت که این یک تصمیم سیاسی می‌باشد." وی افزوده گفت: "پس از امروز ما مسئولیت هر آن چه به تیگرای اتفاق می‌افتد را نداریم." (منبع: المصری الیوم؛ مؤرخ 2021/6/30م). هم‌چنان طبق گزارش همین منبع، "نخست وزیر ایتویی آبی احمد گفت: بیرون شدن ما از تیگرای باعث می‌شود که ما برای ملت تیگرای فرصتی را برای فکر همه‌جانبه در مورد قضایا بدهیم." هم‌چنان در ادامه گفت: "ما در حدود 100میلیارد (بر) در منطقه تیگرای به مصرف رساندیم، یعنی مبلغی که بیشتر از 13 چند بودجه سالانه این منطقه است، اما از این پس نمی‌خواهیم این انفاقی را که لیاقتی برای آن وجود ندارد ادامه دهیم." خروج ارتش ایتویی از تیگرای در صورتی انجام می‌شود که حزب نخست وزیر آبی احمد در انتخابات پارلمانی 2021/7/10م به سختی توانست موفق شود، موفقیتی که به معنی تأیید مردمی بزرگ بر حمله ارتش بر تیگرای بود، اما بعد از پیروزی مطلق ارتش ایتویی بر جبهه تحریر تیگرای، برای ستودن این خروج حکومت آدیس آبابا بهانه‌جویی نمود؛ حمایت از سد النهضه را اولویت عنوان می‌نماید، پس از برخی از کشمکش‌ها همراه ارتش سودان برای تسلط بر نوار مرزی و مثلثه فشقه. (منبع: القدس العربی؛ مؤرخ 2021/7/2م)

پنجم: این که با دقتی بیشتر در میابیم که ارتش ایتویی در واقع توان اشغال منطقه سرکش را در اواخر 2020م به سهولت نداشت، اگر حمایت امریکا نمی‌بود و دلیل این حمایت امریکایی این مشارکت ارتش ارتیره با ارتش ایتویی در جنگ‌های این منطقه است، چون ایسایاس افورکی رئیس جمهور ارتیره مذکور سابقه دار امریکای می‌باشد. هم‌چنان با دقت بیشتر در می‌یابیم که این امریکا بود که به ارتش ارتیره از تیگرای اجازه خروج را داد، در حالی که هنوز حکومت آدیس آبابا به حضور نیروهای ارتیره در تیگرای اعتراف ننموده بود، سپس اظهارات وزیر خارجه و نخست وزیر ایتویی اشاره بر این داشته که ارتش ایتویی از تیگرای به شکل خود رضای بیرون شده و باردیگر میدان را برای جبهه تحریر تیگرای خالی گذاشته است، چیزی که هرگز دون درخواست امریکا امکان پذیر نیست.

ششم: این که با تدبیر بر آن چه در ایتوپی به وقوع پیوسته و در آینده نیز به وقوع خواهد پیوست، واضح خواهد شد که نقشه‌های امریکا برای ایتوپی و در کل شاخ افریقا تغییر نموده است:

1- این که از جهتی امریکا که اقدام به حمایت از حکومت آبی احمد نمود و سعودی را در پشت آن قرار داده و ابن سلمان با وی چندین تماس برقرار کرد، در ابتداء خوست با تحمیل ثبات در ایتوپی، قدرت وی را تثبیت نماید، اما بعد واضح شد که آبی احمد توان این کار را ندارد. شاید ائتلاف ارتش تحریر اورمی همراهی جبهه تحریر تیگرای برای سرنگون‌سازی حکومت آدیس آبابا، اشاره روشنی بر این دارد که آبی احمد حتی در جلب حمایت قومی که نسب پدری اش به آن بر می‌گردد، ناکام بوده است. اما از جهتی دیگر اداره ترامپ از حمله ارتش ایتوپی بر تیگرای در پایان سال 2020م حمایت کامل نمود و به مشارکت ارتش مزدور خویش رئیس جمهور ارتیره در این حمله، شکست جبهه تحریر تیگرای را حتمی ساخت. آن اداره از عینک رژیم یهود به این قضیه نگاه می‌نمود، رژیم یهود عینک‌اش، جانساری نخست وزیر ایتوپی آبی احمد را در نقشه‌اش برای سد النهضه که تهدید بزرگ و استراتژیک برای مصر به شمار می‌رود، می‌دید. به همین دلیل و بدلائل انتخاباتی اداره ترامپ، از نقشه آبی احمد در ایتوپی حمایت نموده و در پایان سال 2020م وی را بالای تیگرای مسلط نمود.

2- همین که اداره بایدن جای اداره ترامپ را اشغال نمود، نقشه‌های امریکا برای ایتوپی و شاخ افریقا تغییر یافت، چنانکه سیاست جدید امریکا نسبت به ایتوپی این است که این سرزمین تجزیه شود، این چیزی می‌باشد که اجازه اداره بایدن به خروج ارتش ارتیره از تیگرای و بعد از آن خروج ارتش ایتوپی از این منطقه، دال بر آن است و به معنی این می‌باشد که وضعیت این منطقه در معرض جدایی از ایتوپی قرار دارد. ظاهراً می‌بینیم که مقامات امریکایی، بیشتر سخن از "وحدت سرزمین ایتوپی" می‌زنند، در حالی که از پی‌گیری اظهارات ایشان در مورد حوادث ایتوپی هویدا است که امریکا چشم به انتظار تجزیه کامل ایتوپی می‌باشد، با آن که جبهه تحریر تیگرای و گروه‌های هم‌پیمان دیگر آن چنین چیزی را علناً یادآوری نمودند! اما موارد زیر توجه امریکا را به تجزیه ایتوپی تأیید می‌کند:

الف- آنچه فعلاً در ایتوپی در حال جریان است، بر مبنی نقشه امریکا برای این سرزمین می‌باشد، 9 گروه همراهی جبهه تیگرای بر علیه حکومت آبی احمد ایتلاف نموده اند. یکی از این گروه‌های ایتلاف کننده که پایتخت ایتوپی را مورد تهدید قرار می‌دهد، لشکر تحریر اورمی می‌باشد. ایتلاف این گروه‌ها در پایتخت امریکا واشنتن صورت گرفته است. این ایتلاف که ترکیب شده از 9 گروه مخالف دولت ایتوپی می‌باشد، در تاریخ 5 نوامبر 2021م گفت: هدف آن سرنگونی حکومت نخست وزیر آبی احمد می‌باشد، حال می‌خواهد این سرنگونی بزور و یا از طریق مذاکرات و تشکیل دولت انتقالی انجام شود... رهبران گروه‌ها در واشنتن در حالی اعلان ایتلاف نمودند که رهبران افریقا و غرب برای آتش بس میان حکومت مرکزی و جبهه مردمی تحریر تیگرای و هم‌پیمان آن فراخوان می‌دهند. (منبع: دوچه وله آلمان؛ مورخ 2021/11/5م) اعلان ایتلاف در وشنتن نشانگر این است که امریکا این نیروهای جدایی طلب را رهبری نموده و می‌خواهد دولت آبی احمد را ضعیف سازد.

ب- مجله فورین افروز Foreign Affairs امریکایی مقاله‌ای طولانی را در مورد جنگ ایتوپی نشر نمود که در آن چنین گفته بود: «حتی اگر توقف جنگ و درگیری در ایتوپی ممکن باشد، نبود یک هویت واحد در این سرزمین، اختلافات شدید در ارتباط به کس که باید حاکم قرار گیرد و این که این حکومت چه گونه ادامه یابد، نجات ایتوپی را از تجزیه شدن دشوار می‌سازد.» علاوه نمود که «بدون دیدگاه قناعت بخش و مشترک، به شکل گسترده‌ای، آبی احمد نمی‌تواند مانع رشد نیروهای جدای طلب شده و باعث رشد نیروهای اتحاد و انسجام شود.» (منبع: الجزیره نت؛ 2021/11/6م).

هفتم: خلاصه این که امریکا سعی در تضعیف حکومت آبی احمد و دولت مرکزی در آدیس آبابا دارد، این امریکا است که مصیر پیروزی‌های نیروهای متمرد تیگرای و مناطق متمرد دیگر را هموار می‌سازد. تمام آنچه در ایتوپی در حال جریان است، طبق نقشه امریکا می‌باشد؛ نقشه‌ای که اداره بایدن برای تجزیه ایتوپی و تقسیم آن به چند دولت کوچک برگزیده است. با آن که این نقشه در مدمت زمان کوتاهی انجام نخواهد شد، اما در حال حاضر تنها نقشه‌ای می‌باشد که در توافق با حوادث جاری می‌باشد و این همان نقشه‌ای است که امریکا برای سودان داشته و بر مبنای آن سودان جنوبی را از آن جدا نمود. تمام این موارد اشاره به جنایات درجه اول نهفته در طرز فکر سیاسی امریکا دارد. این که امریکا و نیروهای استعمارگر بین‌المللی دیگر، هیچ باکی به ریختن خون مردم در راه اجرای سیاست‌ها و تحقق منافع خود ندارند، مخصوصاً این که اکثر مردم مستضعف اند که بهاء پرداخت می‌کنند. در ایتوپی اکثریت اوقات مسلمانان در قدم اول پایمال می‌شوند، مخصوصاً این که آنان اکثریت باشندگان ارومی می‌باشند؛ ولایتی که آدیس آبابا در آن قرار گرفته است و آنان بیشتر از تمام مردم و ملیت‌های ایتوپی در حاشیه قرار دارند. نیروهای مختلف ایتوپی همراهی با داران خود از دولت‌های کفری استعمارگر توافق نموده اند که مسلمان‌ها هیچ سهمی در دولت نداشته و وجبهه نصرانی بودن دولت هم‌چنان استمرار خواهد داشت. آنان با هم توافق نمودند که اسلام را در میدان‌های سیاسی در ایتوپی خاموش نگهدارند؛ با وجودی که درصدی بزرگ ساکنین این سرزمین را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

افریقا همواره آزمایشگاه جنایات غربی بوده است؛ جنایاتی که غرب در کشتارگاه رواندا و غیره مرتکب شده است. به طور معمول مسلمانان اولین قربانیان این جنگ‌ها می‌باشند و هیچ کس توان ایستادگی در برابر این نیروهای وحشی بین‌المللی را ندارد، مگر دولت اسلامی؛ دولت خلافت راشد دوم؛ دولتی که هدایت را میان مردم نهادینه ساخته و این گونه از تعصبات قومی متعفن مردم خویش را وقایه می‌نماید؛ دولتی که از جنایات دولت‌های بزرگ پرده برداشته و آنان را عبرتی برای عبرت‌گرنده گان قرار می‌دهد. این گونه است که دنیا طبق این فرموده الله سبحانه و تعالی متلاشی خواهد شد:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا...﴾ [اسراء: 81]

ترجمه: بگو: حق فرا رسیده است و باطل از میان رفته و نابود گشته است، اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است...

2021/11/21 م.

مترجم: علی مطمئن